

نامه‌ای به عالیجناب^۱

عالیجناب

این روزها به حوادثی می‌اندیشم که در سرزمینی بنام ایران اتفاق می‌افتد. آیا حضرتعالی چنین سرزمینی را می‌شناسید؟ آیا نماینده‌ای از طرف آن عالیجناب در این ولایت وجود دارد؟ آیا مقربان بارگاه حق تعالی در جریان حوادث این سرزمین هستند؟ اگر بنده را اذن بفرمایید، جهت اطلاع جنابعالی و کلیه اعضای محترم بارگاه حضرتعالی، مطالبی را بطور اختصار در مورد این سرزمین به عرض می‌رسانم.

مردمان این سرزمین قبلاً "خدا و خدایان دیگری را می‌پرستیدند. بهتر است بگویم خدایان دیگری را دوست می‌داشتند، البته بنده از بود و نبود آنان اطلاعی ندارم. اما قرن‌ها پیش شخصی در مکه ادعا کرد باشما در جایی در آسمان ملاقات کرده^۲ و رسول شماسنت و آیین اسلام را از طرف شما برای نجات مردم به ارمغان آورده است. ولی مردم هیچگاه از تأیید این مسئله توسط جنابعالی مطلع نشدند. بعدها پیروان آن شخص به همین سرزمین فعلی، که امروز ایران نام دارد، حمله کردند و مردم را وادار به پذیرش آن آیین نمودند. از آن روزگاران این چنین یاد شده است:

هورمزگان رمان آتران گزان	ویشان شاردوه گورمگورکان ^۳
زور کار ارب کردند خاپور	گنای پاله هتا شاره زور
ژن و کینکان بدیل بشینا	میرد آزا تلی ره روی هونیا
روشت زردشتره مانوه بیکس	بزیکا نیکا هورمه هیوچ کس

ترجمه :

معبدها ویران شدند آتشنا خاموش	بزرگان خود را نهان کردند
عرب ظالم خراب کرد	دهات را تا شهر زور
زنان و دختران به اسیری رفتند	دلیران در خون غلتیدند
کیش زردشتی بی کس ماند	آهورامزدا برکس رحم نخواهد کرد

آیا حضرتعالی از انجام چنین جنایاتی مطلع بودید؟

عالیجناب

۳۰ سال پیش شخصی بنام روح الله، یعنی روح جنابعالی، به نام شما مردم را بسیج کرد و حکومت اسلامی را در شکل جمهوری در این سرزمین بنا نهاد. ایشان ادعا داشتند که این حکومت را بر اساس رهنمودهای شخص شما، پیامبران و علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف، ایجاد کرده‌اند. آیا جنابعالی از این واقعه اطلاع داشتید؟

این شخص از همان ابتدا به قلع و قمع مردمانی پرداخت که آنها را کرد می‌نامند. آیا جنابعالی چنین مردمانی را می‌شناسید؟ آنها هم خود را بندهگان حضرتعالی می‌دانند. حکومت اسلامی منتسب به شما، ابتدا مردم روستاهای قارنا و قلاتان را قتل عام کرد. بعد همین روح الله در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ علیه همین کردها اعلام جهاد کرد. پیروان شما علیه کسانی اعلام جهاد می‌کنند که آنها را دشمن جنابعالی بدانند. آیا شما می‌دانستید که کردها دشمن شما هستند؟ مسلمین وقتی علیه مردمی اعلام جهاد کنند، به این معنی خواهد بود که کشتن و غصب اموال آنها حلال می‌باشد. سربازان این حکومت که پاسدارو بسیجی نام دارند، به دنبال اعلام جهاد مرجعشان به شهرهای کردستان سرازیر شدند. آن روزی که اعلامیه جهاد آقای خمینی از رادیو و تلوزیون پخش شد، من و گروه تئاتر جوان در شهر سنندج مشغول اجرای نمایشنامه‌ای بنام "مان گرتن" یعنی اعتصاب بودیم. داستان نمایش در مورد ظلم رژیم صدام حسین (که شاید او را بشناسید) به مردمی بود که خواستار احقاق حقوق خود بودند. آن روز یعنی ۲۸ مرداد، ارتش ایران وارد شهر سنندج شد و خود را به مردم تسلیم کرد. بعد معلوم شد این یک توطئه خود ساخته شده بوده، چراکه تمام اسلحه‌هایی که به دست مردم دادند، غیرقابل استفاده بودند. این توطئه خود آغاز حمله نظامی سراسری به کردستان شد. آن روز ما مجبور شدیم کارمان را تعطیل کنیم و بطرف سفر راه بیافتیم. در این مسیر دهها خودرو ارتشی و خودروهای خصوصی انباشته از افراد سپاه و بسیج را مشاهده کردیم. آنها آمده بودند مردم را بکشند و در از آن به بهشت بروند، بهشتی که ظاهراً شما وعده آنرا داده‌اید. در اسلام گفته می‌شود هر کس در راه خدا کشته شود به بهشت می‌رود. آیا جنابعالی چنین بهشتی را وعده داده‌اید؟

عالیجناب

کشتار مردم از شهر پاوه و کرمانشاه شروع شد، کسی بنام صادق خلخالی به نمایندگی از طرف روح الله موسوی خمینی، مامور کشتار زندانیان شد. او هر فردی را در فاصله ۳ دقیقه دادگاهی کرده و دستور کشتن او را صادر می‌کرد. در شهر کرمانشاه ۱۸ نفر را در یک روز اعدام کردند، در سنندج ۲۰ نفر را در برابر جوخه‌های آتش قرار دادند، یکی از آنها مجروحی بود بر روی برانکاردا بنام احسن ناهید. در سفر ۲۱ نفر را اعدام کردند، کودکی ۱۳ ساله بنام سیف اله

فیضی هم جزو آنها بود. همچنین دختران باکره‌ای در این شهر اعدام شدند، اما ابتدا آنها را مورد تجاوز جنسی قرار دادند. پیروان شما اعتقادشان بر این است، اگر دختر باکره‌ای کشته شود، به بهشت خواهد رفت، لذا ابتدا صیغه‌ای به زبان عربی می‌خوانند و سپس با توسل به زور به آن دختر تجاوز می‌کنند، بدین ترتیب مطمئن می‌شوند که کاری نیک در راه نزدیکی به شما انجام داده‌اند و از رفتن غیر مسلمانی به بهشت هم جلوگیری کرده‌اند. آیا شما در کتابی بنام قرآن چنین فرمانهایی صادر کرده‌اید؟ آیا انجام این اعمال با آگاهی شخص شما صورت گرفته است؟

عالیجناب

روز ۱۲ خرداد سال ۱۳۶۲ در شهر تبریز ۵۹ جوان مهابادی که همه زیر بیست و برخی زیر ۱۸ سال بودند، بدون هیچ دلیلی تیرباران شدند. آنروزها در شهر اورمیه در منزل دوستی با پدر یکی از این جوانان روبرو شدم، او باور نکرده بود که پسرش را کشته‌اند. در مهاباد به او گفته بودند به استانداری بروند شاید بتواند پسرش را ملاقات کند. این شخص یکی از خوانندگان نامدار کرد بود، که جمهوری اسلامی ایران نتوانسته بود او را بخرد و به زانو درآورد. محمد ماملی آنروزی که به نزد ما آمد، تازه از پیش استاندار وقت برگشته بود، آنها او را دست انداخته و به بازی گرفته بودند، من قادر به بازگویی آنچه بر او گذشته بود، نیستم. شاید خود شما بهتر در جریان ماجرا باشید. این هنرمند بیش از ۵۰ سال به فرهنگ، هنر و ادبیات مردم خدمت کرد، شاید به همین دلیل، نابخردانه مورد آزار روحی و روانی قرار گرفت. ماملی در ادامه به کلی هوش و حواس خود را از دست داد و سرانجام برای همیشه خاموش شد. آیا شما اعمال اینچنینی را پسندیده می‌دانید؟

عالیجناب

این روزها شخصی بنام کروی، نامه‌ای به شخص دیگری بنام رفسنجانی نوشته است. او در این نامه متذکر شده است که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران دختران و پسران زندانی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، آقای کروی که یکی از مخلصان درگاه حضرتعالی می‌باشد، از آقای رفسنجانی که مسئول مجلس خبرگان و تشخیص مصلحت نظام می‌باشد، خواسته است این مسئله را مورد تحقیق قرار دهد. بدون شک جنابعالی که بر همه مسائل جهان اشراف کامل دارید، می‌دانید که در طول ۳۰ سال گذشته در زندانهای شهرهای کردستان بارها به دختران و پسران تجاوز شده است، برخی از این افراد بعد از آزادی خودکشی کرده یا ترک شهر و دیار کرده و خود را از دید هر آشنایی پنهان کرده‌اند. حتی در بعضی موارد به افراد مسن هم تجاوز شده است، در یک مورد در شهری بنام بوکان خواهر و برادر جوانی همزمان مورد تجاوز پاسداران اسلام قرار گرفتند.

عالیجناب

افرادی که امروز وقوع چنین اعمالی را سست شدن نظامشان تلقی می‌کنند، در مورد وقوع اتفاقات مشابه در کردستان سکوت کردند؟ فردی نظیر محسن رضائی یکی از مسئولین اصلی سرکوب در کردستان بود. او می‌داند پاسداران و بسیجی‌های زیردستش، چه برخوردی با زندانیان کرد داشته‌اند، لیک هیچگاه نه او و نه دیگران اشاره‌ای به این جنایتها نکرده‌اند، شاید آن زمان این جنایتها در جهت تحکیم نظام بود!!

حضرتعالی می‌دانید. مردمان کرد بسیار به نجابت و درستی اعمال و کردار خود بها می‌دهند. بخصوص حریم خانواده برایشان مقدس است. زندگی این مردم آمیخته با غرور انسانی است و پاسدار حریم خانواده و ارزشهای آن هستند، به همین دلیل همیشه از حیثیت و کرامت انسانی خود دفاع کرده‌اند. لیکن دستگاههای اداری و نظامی جمهوری اسلامی ایران دقیقاً "شکستن این غرور و سربلندی را هدف خود قرار داده‌اند. به همین دلیل سبعانه‌ترین رفتار را با اسیران در بند کرد داشته‌اند.

عالیجناب

علیرغم همه این نامردمی‌ها، این مردم در طول این سی سال، به طور گسترده در برابر ددمنشی‌های این طایفه ایستادند. زمانی جمهوری اسلامی ایران، زنانی را به نام خواهران زینب به تمام مدارس کردستان به عنوان معلم گسیل داشت، تا دختران کرد را در سنین پائین به عقد موقت و دائم پاسداران و بسیجیان دریاورند، اینان این سیاست را در پیش گرفتند تا از این طریق هم دین و مذهبشان را بگیرند و هم آنها را از هویت خویش تهی سازند.

عالیجناب

اینک رهبر جمهوری اسلامی که آقای جنتی ایشان را نماینده جنابعالی بر روی زمین می‌خواند، همراه شخصی به اسم محمود احمدی نژاد، که رئیس جمهوری برگمارده است، تصمیم گرفته‌اند تجربیات سی سال گذشته کردستان را در دیگر نقاط سرزمین ایران از جمله تهران به کار بگیرند. اینک کسانی بر روی صندلی اتهام نشانداده شده‌اند، که خود در برابر تمام رنجها و زجرهای مردم کرد و دیگر مردمان سکوت کردند.

عالیجناب

نمیدانم حضرتعالی آقای برتولت برشت را می‌شناسید یا نه؟ جهت اطلاع جنابعالی باید عرض کنم او بی‌خدا، شاعر و نماینده نویسی بود، که مورد غضب شخصی بنام هیتلر قرار گرفت. ایشان در شعری توصیفی ارائه می‌دهند که بی‌شبهت به توصیف تاریخ ۳۰ سال اخیر ایران نیست:

نخست برای گرفتن کمونیست ها آمدند
من هیچ نگفتم
زیرا من کمونیست نبودم
بعد برای گرفتن کارگرا و اعضای سندیکاها آمدند
من هیچ نگفتم چون عضو سندیکا نبودم
سپس برای گرفتن کاتولیک ها آمدند من باز هیچ نگفتم
زیرا من پروتستان بودم
سرانجام برای گرفتن من آمدند
دیگر کسی برای حرف زدن باقی نمانده بود!!

عالیجناب

آنان که به اسم شما حکومت اسلامی برپا کردند، مانند نازی ها با مردم رفتار نمودند:

اول کردها و ترکمن ها را قتل عام کردند
کسی چیزی نگفت چرا که همه کرد و ترکمن نبودند
بعد کمونیستها و دموکراتها مورد تهاجم قرار گرفتند
کسی چیزی نگفت چرا که همه کمونیست و دموکرات نبودند
آنگاه مجاهدین را به جوخه‌های اعدام سپردند
کسی چیزی نگفت چرا که همه مجاهد نبودند
بعد نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان را پنهان و آشکار کشتند
کسی چیزی نگفت چرا که همه نویسنده، روزنامه نگار و هنرمند نبودند
حال اصلاح طلب حکومتی و انسان عادی در زندان و در خیابان کشته می شوند،
دیگر کسی باقی مانده است که آقایان سراغش بروند؟!

عالیجناب

در سرزمین ایران دیگر کسی باقی نمانده است، که اینها سراغش بروند. من نگران حال شما هستم. خواهش می کنم اگر در ایران حضور دارید، مواظب خودتان باشید، اینها به هیچ کس رحم نمی کنند!!

در ضمن اگر برایتان مقدور هست، روز ۲۸ مرداد امسال بخاطر احترام به جان بیست هزار از زندگانتان، که بعد از اعلام جهاد خمینی در کردستان کشته شدند، ۲ دقیقه به آنها فکر کنید.

ابراهیم فرشی

¹ - عالیجناب چون بنده اطلاع ندارم که شما بر کدام زبان تسلط دارید نامه را به زبان مردم فارس نوشتم، اگر مشکلی برای درک مطالب احساس کردید، می توان متن نامه را به زبان عربی و یا هر زبان دیگری که شما صلاح بدانید ترجمه کرد. اما باید اینراهم یادآوری کنم که زبان رسمی جمهوری اسلامی ایران فارسی است، لذا بنده از نوشتن نامه به یکی از زبانهای غیر رسمی امتناع کردم.

² - داستان معراج پیامبر اسلام. هنگامی که حضرتشان از این سفر برگشتند هنوز کلون در در حال نوسان بود

³ - در کاوش‌های سال ۱۹۱۰ میلادی در روستای «هزارمیرد» استان سلیمانیه، چهار بند سرود به زبان کردی سره و با نویسه پهلوی یافت شد: (ویکیپدیا) بر طبق اسناد دیگر این سروده بهنگام ایجاد شهر سلیمانیه پیدا شده و ۶ بیت می باشد و بعنوان اولین شعر به زبان کردی از آن نام میبرند.